



میرزا مهدی اصفهانی فاقد نگاه منسجم و منظومه‌ای و مشخص است

کرسی ترویجی با موضوع «چیستی خدا از دیدگاه مهدی اصفهانی» توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و با همکاری مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به صورت حضوری و مجازی برگزار شد.

کرسی ترویجی با موضوع «چیستی خدا از دیدگاه مهدی اصفهانی» توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و با همکاری مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به صورت حضوری و مجازی برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، در راستای برگزاری همایش ملی اجتهاد عقل گرا، کرسی علمی- ترویجی با موضوع «چیستی خدا از دیدگاه مهدی اصفهانی» توسط گروه کلام پژوهشکده حکمت و دین پژوهی پژوهشگاه با همکاری مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به صورت حضوری و مجازی برگزار شد.

در طی این نشست، حجت الاسلام حسین عشاقی، عضو شورای علمی گروه فلسفه پژوهشگاه در ابتدای نشست گفت: درباره هستی و چیستی خدا هم در مباحث فلسفی و هم در فضای عرفانی، نظرات و آرای مطرح است و گفته شده ماهیت و چیستی خدا همان وجود او و هستی اوست یعنی وجود، ماهیت و چیستی جداگانه را نمی توان به خدا نسبت داد زیرا در این صورت لازمه آن مرکب بودن خدا و پذیرش ترکیب در وجود مقدس الهی است و چنین چیزی پذیرفتنی نیست.

وی با بیان اینکه عدم نسبت وجود دوگانه به خدا اعم از ماهیت و وجود مورد اتفاق مشهور عرفا و فلاسفه است، افزود: فلاسفه در دیدگاه مشهور و معروفشان نوعی هستی واجب الوجودی برای خداوند قائل شده اند، ولی دیدگاه عرفانی معتقد است که هر نوع تقیدی در مورد خدا مورد پذیرش نیست و وجود واجب، وجودی مطلق است و به هیچ وجه مقید به قید نمی شود.

عشاقی بیان کرد: در مورد دیدگاه عرفانی می توان دو استدلال اقامه کرد که میرزا مهدی اصفهانی هم ناظر به همین دیدگاه عرفا، مباحثی را عنوان کرده است. اولین استدلال این است که بین وجود و عدم، تناقض ذاتی وجود دارد و این امری بدیهی است و وجود هر نوع قید برای اثبات تناقض بین عدم و وجود، به معنای رد کردن اصل بدیهی تناقض بین عدم و وجود است.

وی اضافه کرد: ما نمی توانیم وجود لاینشرطی را معدوم بدانیم بنابراین باید موجود بدانیم از این رو وجودی که هیچ شرط و قیدی ندارد موجودیت او اثبات می شود اما در چه شرایطی وجود دارد؟ شرایطی که هیچ قید و شرطی ندارد و چنین موجودی واجب الوجود است وگرنه اگر ممکن الوجود بود امکان وجود بدون قید و شرط و علت نداشت. بنابراین از منظر عرفانی، واجب الوجود همان وجود لاینشرط است.

عشاقی تصریح کرد: استدلال دیگر عرفانی این است که ذات حق یا وجود است یا عدم چون اجتماع عدم و وجود ممکن نیست؛ اگر بگوییم خداوند عدم است در این صورت ذات خدا انکار شده که باطل است. بنابراین باید وجود را بپذیریم ولی آیا این وجود دارای قید و خصوصیت خاصی است، اگر وجود را با قید بپذیریم لازمه آن ترکیبی بودن خداست و این هم پذیرفتنی نیست بنابراین ذات خدا همان وجود اوست.

میرزا مهدی وجود خدا را از خدا جدا می داند

عضو شورای علمی گروه فلسفه پژوهشگاه اضافه کرد: میرزا مهدی اصفهانی در کتابش آورده است: «وجود خدا، خود خدا نیست بلکه از مخلوقات و آیات و دلیل کمال او است». دو استدلالی که مطرح شد در عین اثبات مدعای عرفانی، این دیدگاه میرزا مهدی را رد می کند. ما خطاب به ایشان می گوئیم تناقض بین عدم و وجود، ذاتی است یا مشروط؟ پس خدا موجودی است که در وجودش هیچ قیدی نیست. از این رو این ادعا که وجود خدا را مخلوق خود او حساب کنیم غلط است.

عشاقی اظهار کرد: ذات حق (حقیقت ربانی) یا عدم است یا وجود، اگر وجود است پس این وجود همان است که میرزا مهدی اصفهانی منکر شده و گفته که با خود خدا فرق دارد. او البته درصدد پاسخ به این اشکال برآمده و گفته است که وجود خدا با خودش فرق دارد ولی خالق وجود هم رتبه خود وجود نیست و خالق، برتر است از این رو اگر بگوییم خداوند عدم نیست و وجود هم نیست دیگر تناقضی هم نخواهد داشت، زیرا تناقض ذاتی در اصل عدم و وجود است.

وی گفت: این سخن میرزا که وجود خدا را خود خدا نمی داند اول بحث و در تضاد با نظر مشهور عرفاست و اساساً نزاع در این است که خدا همان وجود است یا خالق وجود؟ ما اگر بخواهیم حرف میرزا مهدی اصفهانی را بپذیریم در این صورت باید ارتفاع نقیضین را به کلی رد کنیم که این هم محال است چون بین موجودات عالم، تغایر وجودی داریم.

وی افزود: مثلاً انسان یک وجودی دارد و گوسفند و اسب هم وجودهایی دارند و هر وجودی خارج از حریم وجود دیگری است؛ بنابراین اگر او می گوید وجود خدا خارج از حریم ذات است پس چگونه می توان بین وجود انسان و غیرانسان تمایز قائل شد چون هر دو وجود هستند که هیچکدام هم در ذات انسان یا گوسفند و ... نیستند.

همچنین ناقد این کرسی علمی حجت الاسلام محمد جعفری، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی در ادامه این نشست، گفت: اگر استاد عشاقی از ظرفیت نظریات فلسفی و عرفانی در نقد نظریه میرزا مهدی اصفهانی استفاده می کردند مناسب تر بود و البته ایشان فقط از ظرفیت عرفانی بهره برد ولی به نظر بنده با استفاده از نظریه فلسفی هم می توان آرای میرزا را نقد کرد.

جعفری بیان کرد: اینکه میرزا وجود خدا را متفاوت از ذات او می داند به برخی نظریات دیگر او بازگشت دارد از جمله عدم پذیرش اصل علیت و نفی صنفیت بین خالق و مخلوق که باز ناشی از نپذیرفتن علیت است. مرحوم میرزا در ابواب الهی در ذیل بحث قیاس آورده است که یکی از بالاترین و بهترین قیاس ها، قیاس برهان است و در مقام نقد آن برآمده است. او می گوید اگر قیاس معتبر بود حرف شیطان باید پذیرفته می شد زیرا او گفت من از آتش خلق شدم و انسان از خاک و قیاس او کاملاً درست است در صورتی که خدا نپذیرفت.

وی با بیان اینکه میرزا تصریح دارد که علیت از اصل باطل است، گفت: چون مسیری که قیاس طی می کند از مقدمات به نتیجه است و تصدیق مقدمات برای رسیدن به علیت است. مرحوم میرزا جواد تهرانی تصریح کرده که میرزا علیت را منکر شد تا مفاسد علیت و معلولیت را از بین ببرد و به همین دلیل موضوعات زیادی از سوی او رد شد.

اضطراب در اندیشه اصفهانی

جعفری افزود: تلقی بنده این است که میرزا مهدی اصفهانی فاقد نگاه منسجم و منظومه ای و مشخص است و نمی توان نظریات او را کنار هم جمع کرد. مطالب او خیلی پراکنده است. مثلاً از یکسو قیاس را امری شیطانی می داند ولی از برهان امکان و وجود استفاده کرده و آن را پذیرفته است گرچه از نام بردن اسم این برهان، پرهیز دارد. سخنان میرزا در هستی شناسی خداوند هم مضطرب است و در عین حال برخی موارد همان حرف عرفا را زده است.

کد خیر